

Submit Date: 29 June 2026

Revise Date: 24 September 2026

Accept Date: 01 October 2026

Initial Publish: 10 October 2026

Final Publish: 20 February 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Professional Independence of Lawyers and the Realization of a Fair Trial: A Jurisprudential and Comparative Analysis of Confidentiality, Equality of Arms, and Court-Appointed Legal Representation in Iranian Criminal Law

Hossein Bakhtiari¹, Atefeh Lorkojuri^{2*}, Tayebah Ghodrati Siahmazgi², Ali Jabbar Golbaghi Masouleh²

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran

2. Department of Criminal Law and Criminology, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran

* Corresponding Author's Email: Atefeh.lorkojuri@iau.ac.ir

ABSTRACT

The professional independence of defense counsel constitutes one of the most important guarantees of a fair trial in the criminal justice system, because the right to legal representation can effectively protect the accused only when counsel is sufficiently independent and able to provide professional defense without improper pressure or interference. This study aims to analyze the jurisprudential and comparative foundations of professional independence in Iranian criminal law, with particular emphasis on lawyer–client confidentiality, equality of arms, and court-appointed legal representation. The research adopts a descriptive-analytical method and examines jurisprudential foundations, domestic legal rules, and general fair-trial standards. The findings indicate that professional independence has institutional, functional, personal, and communicative dimensions, each of which contributes directly to the effectiveness of the right to defense. Confidential lawyer–client communication is essential for establishing trust and enabling the accused to disclose complete information required for the preparation of an effective defense. Any unjustified interference with this relationship may undermine both professional autonomy and the quality of representation. Equality of arms further requires that defense counsel have sufficient access to relevant case materials, adequate time and facilities for preparation, and a meaningful opportunity to challenge prosecution evidence and arguments. With regard to court-appointed representation, the mere formal appointment of counsel is insufficient; effectiveness depends on timely appointment, professional competence, access to the case file, adequate communication with the accused, and the lawyer's independence from appointing authorities. The study concludes that the realization of a fair trial in Iranian criminal law requires a shift from the formal recognition of the right to counsel toward a substantive model of effective and independent defense. Strengthening statutory protection of confidentiality, facilitating early access to counsel, ensuring practical equality of defensive opportunities, and reforming the institutional framework of court-appointed representation can significantly enhance procedural fairness, reduce structural inequality between the accused and prosecutorial authorities, and strengthen the legitimacy of judicial decisions.

Keywords: *Professional Independence of Lawyers, Fair Trial, Confidentiality, Equality of Arms, Court-Appointed Legal Representation, Iranian Criminal Law*

How to cite: Bakhtiari, H., Lorkojuri, A., Ghodrati Siahmazgi, T., & Golbaghi Masouleh, A. J. (2026). Professional Independence of Lawyers and the Realization of a Fair Trial: A Jurisprudential and Comparative Analysis of Confidentiality, Equality of Arms, and Court-Appointed Legal Representation in Iranian Criminal Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(6), 1-23.



تاریخ ارسال: ۸ تیر ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۹ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۱۸ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

استقلال حرفه‌ای وکیل و تحقق دادرسی منصفانه؛ تحلیلی فقهی و تطبیقی بر محرمانگی، تساوی سلاح‌ها و وکالت تسخیری در حقوق کیفری ایران

حسین بختیاری^۱، عاطفه لورکجوری^{۲*}، طیبه قدرتی سیاهمزیگی^۳، علی جبار گلباغی ماسوله^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

۲. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Atefeh.lorkojuri@iau.ac.ir

چکیده

استقلال حرفه‌ای وکیل یکی از مهم‌ترین تضمین‌های تحقق دادرسی منصفانه در نظام عدالت کیفری است؛ زیرا حق برخورداری از وکیل زمانی می‌تواند به‌طور واقعی از حقوق متهم حمایت کند که وکیل در انجام وظایف حرفه‌ای خود از استقلال کافی برخوردار باشد و بتواند بدون فشار یا مداخله ناموجه، دفاع مؤثر و تخصصی ارائه کند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل فقهی و تطبیقی جایگاه استقلال حرفه‌ای وکیل در حقوق کیفری ایران و با تمرکز بر سه مؤلفه اصلی محرمانگی رابطه وکیل و موکل، اصل تساوی سلاح‌ها و وکالت تسخیری انجام شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر بررسی مبانی فقهی، مقررات حقوقی و استانداردهای دادرسی منصفانه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که استقلال حرفه‌ای وکیل دارای ابعاد نهادی، عملکردی، شخصی و ارتباطی است و تحقق هر یک از این ابعاد در تضمین حق دفاع مؤثر نقش اساسی دارد. محرمانگی ارتباط میان وکیل و موکل، شرط شکل‌گیری اعتماد و امکان ارائه اطلاعات کامل برای طراحی دفاع است و هرگونه مداخله ناموجه در این رابطه می‌تواند کیفیت دفاع را تضعیف کند. همچنین، اصل تساوی سلاح‌ها ایجاب می‌کند که وکیل به اطلاعات لازم پرونده، فرصت کافی برای آماده‌سازی دفاع و امکان مؤثر برای مقابله با ادله و استدلال‌های مقام تعقیب دسترسی داشته باشد. در حوزه وکالت تسخیری نیز صرف تعیین وکیل کافی نیست و اثربخشی این نهاد به زمان انتصاب، کیفیت خدمات، استقلال وکیل، دسترسی به پرونده و امکان ارتباط محرمانه با متهم وابسته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که تحقق دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران نیازمند حرکت از شناسایی صوری حق وکالت به سوی تضمین واقعی دفاع مستقل و مؤثر است. تقویت حمایت قانونی از محرمانگی، توسعه دسترسی زودهنگام به وکیل، تضمین تساوی عملی امکانات دفاعی و اصلاح ساختار وکالت تسخیری می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری میان متهم و دستگاه تعقیب و افزایش مشروعیت تصمیمات قضایی ایفا کند.

کلیدواژگان: استقلال حرفه‌ای وکیل، دادرسی منصفانه، محرمانگی، تساوی سلاح‌ها، وکالت تسخیری، حقوق کیفری ایران

نحوه استناددهی: بختیاری، حسین، لورکجوری، عاطفه، قدرتی سیاهمزیگی، طیبه، و گلباغی ماسوله، علی جبار. (۱۴۰۵). استقلال حرفه‌ای وکیل و تحقق دادرسی منصفانه؛ تحلیلی فقهی و تطبیقی بر محرمانگی، تساوی سلاح‌ها و وکالت تسخیری در حقوق کیفری ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۶)، ۱-۲۳.



آزادی لازم برای برقراری ارتباط با موکل، دسترسی به اطلاعات پرونده و حضور فعال در مراحل حساس دادرسی برخوردار باشد (Hashemi, 2024). بر همین اساس، تحلیل استقلال حرفه‌ای وکیل باید از سطح سازمانی استقلال کانون‌های وکلا فراتر رود و به کیفیت رابطه وکیل با موکل، جایگاه او در برابر مقام تعقیب و دادگاه و میزان آزادی وی در سازمان‌دهی دفاع نیز تسری یابد.

مفهوم دادرسی منصفانه مجموعه‌ای از اصول به‌هم‌پیوسته را در بر می‌گیرد که هدف مشترک آنها جلوگیری از خودسری در اعمال قدرت قضایی و تضمین فرصت واقعی دفاع برای متهم است. حق آگاهی از اتهام، حق سکوت، فرض بی‌گناهی، برخورداری از دادگاه مستقل و بی‌طرف، دسترسی به وکیل، فرصت کافی برای تدارک دفاع و برخورداری از توازن نسبی در برابر طرف تعقیب از مهم‌ترین عناصر این منظومه به‌شمار می‌روند. در این میان، حضور وکیل مستقل نقشی پیونددهنده دارد؛ زیرا بسیاری از تضمین‌های دیگر بدون حضور یک وکیل توانمند و مستقل در عمل قابلیت استفاده مؤثر پیدا نمی‌کنند. متهمی که با قواعد پیچیده دادرسی آشنا نیست، حتی اگر روی کاغذ از حق سکوت، حق اعتراض یا حق دسترسی به ادله برخوردار باشد، ممکن است نتواند از این حقوق به شکل مؤثر بهره‌برد. از این منظر، وکیل عامل تبدیل حقوق انتزاعی به تضمین‌های عملی است. مفهوم دادرسی منصفانه نیز صرفاً با رعایت تشریفات قانونی تحقق نمی‌یابد، بلکه باید امکان واقعی مشارکت متهم در فرایند و دفاع برابر در برابر اتهام فراهم شود (Hariri, 2024). حق دفاع در حقوق کیفری از این جهت اهمیت ویژه دارد که آثار تصمیم قضایی می‌تواند مستقیماً آزادی، حیثیت، مالکیت و موقعیت اجتماعی شخص را تحت تأثیر قرار دهد (Moradi, 2022). بنابراین، استقلال وکیل را باید در سطحی بنیادی‌تر از یک حق حرفه‌ای تحلیل کرد و آن را به‌عنوان یکی از ابزارهای کنترل قدرت عمومی و تحقق عدالت آیینی شناخت.

دادرسی کیفری، صرفاً سازوکاری برای کشف جرم، شناسایی مرتکب و اعمال مجازات نیست، بلکه عرصه‌ای است که در آن قدرت عمومی دولت با بنیادی‌ترین حقوق و آزادی‌های فردی مواجه می‌شود و از همین رو، مشروعیت نتیجه دادرسی تا حد زیادی به کیفیت فرایندی وابسته است که به آن نتیجه منتهی شده است. در نظام‌های حقوقی معاصر، دیگر نمی‌توان صرف انتساب رفتار مجرمانه یا حتی وجود ادله قوی علیه متهم را برای توجیه محدود ساختن تضمین‌های دفاعی کافی دانست؛ زیرا اصل بر آن است که قدرت تعقیب و مجازات باید در چهارچوب قواعدی اعمال شود که امکان دفاع واقعی، مؤثر و مستقل را برای شخص تحت تعقیب فراهم کند. حق برخورداری از وکیل در چنین ساختاری یکی از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی منصفانه است و نقش وکیل تنها به حضور صوری در جلسات تحقیق یا دادگاه محدود نمی‌شود، بلکه وکیل باید بتواند بدون ترس از فشارهای سازمانی، سیاسی، اداری یا قضایی، وظایف حرفه‌ای خود را در حمایت از حقوق موکل انجام دهد. استقلال حرفه‌ای وکیل، در این معنا، شرطی برای تحقق حق دفاع است و نه امتیازی صنفی که صرفاً برای حمایت از اعضای حرفه وکالت وضع شده باشد. استقلال وکیل زمانی معنا می‌یابد که وی بتواند بر اساس قانون، اخلاق حرفه‌ای و مصالح دفاعی موکل تصمیم بگیرد و هیچ مقام یا نهادی نتواند وی را به دلیل نحوه دفاع، انتخاب استراتژی پرونده یا طرح استدلال‌های حقوقی مشروع تحت فشار قرار دهد. در ادبیات حقوقی ایران نیز استقلال وکالت با تضمین حق دفاع و سلامت فرایند رسیدگی پیوندی مستقیم یافته است و تأکید شده که وکالت کیفری باید به‌مثابه یکی از عناصر ساختاری عدالت کیفری مورد توجه قرار گیرد، نه نهادی حاشیه‌ای در کنار دستگاه قضا (Abbasi, 2024). همچنین حق برخورداری از مساعدت وکیل هنگامی می‌تواند کارکرد واقعی خود را ایفا کند که وکیل از

در حقوق کیفری ایران، جایگاه وکیل و دامنه حقوق دفاعی متهم در دوره‌های مختلف دستخوش تحولات متعددی شده است. توسعه قواعد مربوط به حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی، پیش‌بینی موارد الزام به تعیین وکیل تسخیری و توجه بیشتر به حقوق متهم نشانه حرکت نظام دادرسی به سوی تقویت حق دفاع است، اما هم‌زمان محدودیت‌هایی در دسترسی وکیل به پرونده، امکان مداخله او در برخی مراحل و شیوه انتخاب یا حضور وکیل در پرونده‌های خاص سبب شده است که بحث درباره استقلال و کارآمدی دفاع همچنان موضوعی اساسی باقی بماند. مطالعات مربوط به تحولات آیین دادرسی کیفری ایران نشان داده‌اند که تقویت موقعیت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از مهم‌ترین شاخص‌های تحول در حقوق دفاعی محسوب می‌شود (Maleki et al., 2019). با این حال، صرف شناسایی حق حضور وکیل لزوماً به معنای تحقق دفاع مؤثر نیست؛ زیرا کیفیت مشارکت وکیل، زمان دسترسی او به موکل و پرونده و امکان اظهار نظر حرفه‌ای در جریان تحقیق نیز تعیین‌کننده است (Mohseni, 2021). اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که مرحله تحقیقات مقدماتی، به‌ویژه در جرایم مهم، در شکل‌گیری جهت کلی پرونده، جمع‌آوری ادله و حتی برداشت اولیه مرجع قضایی از وضعیت متهم نقشی اساسی دارد.

در کنار حق دسترسی به وکیل، محرمانگی رابطه وکیل و موکل یکی از پایه‌های اصلی دفاع مستقل است. وکیل تنها هنگامی می‌تواند دفاعی کامل و واقع‌بینانه طراحی کند که موکل بتواند بدون نگرانی از افشای اطلاعات، شنود گفت‌وگوها، انتقال محتوا به مقام تعقیب یا استفاده بعدی از اطلاعات محرمانه، واقعیت‌های پرونده را با وی در میان بگذارد. رابطه وکیل و موکل در ذات خود بر اعتماد استوار است و بدون اعتماد، مشاوره حقوقی به مجموعه‌ای از اطلاعات ناقص و گزینشی تبدیل می‌شود. الزام وکیل به امانت‌داری و حفظ اسرار حرفه‌ای نیز از اصول اساسی رابطه

وکالتی شمرده شده است (Ahmadi, 2015). محرمانگی، در این چارچوب، صرفاً تکلیف اخلاقی وکیل نیست، بلکه برای دولت و دستگاه عدالت کیفری نیز تعهداتی ایجاد می‌کند؛ زیرا اگر مکالمات خصوصی میان متهم و وکیل تحت نظارت یا در معرض دسترسی مقامات تعقیب قرار گیرد، حق دفاع از محتوا تهی می‌شود. حمایت از رابطه محرمانه میان متهم و وکیل در ادبیات مربوط به حقوق بشر و دادرسی عادلانه از جمله شرایط ضروری برای بهره‌مندی واقعی از حق مشاوره حقوقی تلقی شده است (Heydari, 2010). از همین رو، یکی از محورهای اصلی پژوهش حاضر بررسی این مسئله است که محرمانگی حرفه‌ای تا چه اندازه در ساختار حقوق کیفری ایران به‌عنوان بخشی از استقلال وکیل حمایت می‌شود.

اصل تساوی سلاح‌ها نیز یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که استقلال وکیل را به مفهوم گسترده‌تر دادرسی منصفانه پیوند می‌دهد. تساوی سلاح‌ها به معنای برابری مطلق امکانات دولت و متهم نیست، زیرا مقام تعقیب به اقتضای وظایف عمومی خود از منابع و اختیاراتی برخوردار است که الزاماً در اختیار فرد قرار ندارد. منظور آن است که هیچ‌یک از طرفین نباید در موقعیتی قرار گیرد که توان واقعی ارائه استدلال، ارزیابی ادله یا پاسخ‌گویی مؤثر به ادعاهای طرف مقابل را از دست بدهد. در پرونده کیفری، این اصل اهمیتی مضاعف دارد؛ زیرا متهم در برابر مجموعه‌ای از نهادهای رسمی، نیروهای ضابط، کارشناسان و امکانات تحقیقاتی حکومت قرار می‌گیرد. حضور وکیل مستقل یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش این عدم تقارن ساختاری است. حقوق دفاعی زمانی مؤثر تلقی می‌شوند که متهم فرصت کافی و امکانات مناسب برای مواجهه با ادله و استدلال‌های مقام تعقیب داشته باشد (Salehi, 2023). در همین راستا، استقلال وکیل از دادستان، ضابطان و حتی دادگاه، شرطی برای آن است که وی بتواند بدون ملاحظات بیرونی، نسبت

به شیوه جمع‌آوری ادله، اعتبار مستندات، قانونی بودن تحقیقات و رعایت حقوق موکل اعتراض کند.

وکالت تسخیری سومین محور اصلی این پژوهش است. اصل حق دفاع در صورتی که فقط برای کسانی قابل استفاده باشد که توانایی مالی استخدام وکیل خصوصی دارند، عملاً به حقی طبقاتی تبدیل خواهد شد. از این رو، نظام‌های عدالت کیفری برای جرایم مهم یا متهمان فاقد استطاعت مالی، سازوکارهای کمک حقوقی و تعیین وکیل تسخیری را پیش‌بینی می‌کنند. در حقوق ایران نیز وکالت تسخیری با هدف تضمین حداقلی از دفاع تخصصی برای اشخاصی ایجاد شده است که به دلایل قانونی یا مالی بدون وکیل باقی می‌مانند. با وجود این، کارآمدی این نهاد صرفاً به انتصاب یک وکیل بستگی ندارد. اگر وکیل تسخیری فرصت کافی برای مطالعه پرونده نداشته باشد، حق‌الوکاله او به گونه‌ای تعیین شود که انگیزه لازم برای صرف زمان کافی وجود نداشته باشد، یا ساختار تعیین وکیل به نحوی باشد که استقلال حرفه‌ای وی از مقام قضایی مخدوش شود، هدف اصلی نهاد تحقق نخواهد یافت. مطالعات مربوط به وکالت تسخیری در ایران نیز بر ضرورت توجه هم‌زمان به دسترسی، کیفیت و استقلال دفاع تأکید کرده‌اند (Mohseni, 2013). چالش‌های عملی وکالت تسخیری، از جمله کیفیت ارائه خدمات و شرایط ساختاری اجرای آن، نیز از مسائل مستمر نظام دفاع کیفری معرفی شده‌اند (Zarei, 2019).

پژوهش حاضر بر این فرض تحلیلی استوار است که محرمانگی رابطه وکیل و موکل، تساوی سلاح‌ها و وکالت تسخیری سه موضوع مستقل و منفک نیستند، بلکه سه جلوه از یک مسئله بنیادی‌تر، یعنی استقلال و اثربخشی دفاع کیفری، به شمار می‌روند. محرمانگی زمینه اعتماد و انتقال آزاد اطلاعات را فراهم می‌کند؛ تساوی سلاح‌ها موقعیت وکیل را در مواجهه با قدرت تعقیب تعریف می‌کند؛ و وکالت تسخیری تضمین می‌کند که بهره‌مندی از دفاع تخصصی به استطاعت مالی متهم وابسته نباشد. هرگونه

ضعف جدی در یکی از این سه حوزه می‌تواند سایر تضمین‌های دادرسی منصفانه را نیز تضعیف کند. هدف اصلی این پژوهش تبیین ارتباط ساختاری میان استقلال حرفه‌ای وکیل و تحقق دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و ارزیابی ظرفیت‌ها و کاستی‌های موجود با تمرکز بر این سه مؤلفه است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع حقوقی، مبانی فقهی و رویکرد تطبیقی است و تلاش می‌شود ضمن تبیین مبانی، راهکارهایی برای تقویت استقلال و اثربخشی دفاع در نظام عدالت کیفری ایران ارائه شود.

مبانی فقهی و حقوقی استقلال حرفه‌ای وکیل و دادرسی منصفانه

استقلال حرفه‌ای وکیل مفهومی چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً به استقلال سازمانی کانون وکلا یا نحوه صدور پروانه وکالت فروکاست. استقلال در سطح نخست ناظر به استقلال نهادی حرفه وکالت از ساختارهایی است که ممکن است به دلیل برخورداری از قدرت سیاسی یا قضایی، بر پذیرش، ادامه فعالیت یا شرایط اشتغال وکیل اثر بگذارند. در سطح دوم، استقلال حرفه‌ای به آزادی وکیل در انتخاب روش دفاع، تحلیل پرونده، ارائه استدلال و اتخاذ موضعی اشاره دارد که از نظر حقوقی به سود موکل می‌داند. در سطح سوم، استقلال شخصی وکیل مطرح است که بر اساس آن وی نباید به دلیل دفاع از یک متهم، ماهیت اتهام یا حساسیت سیاسی و اجتماعی پرونده با تهدید، فشار یا محرومیت حرفه‌ای روبه‌رو شود. ادبیات حقوقی ایران استقلال حرفه وکالت را یکی از لوازم اساسی انجام وظیفه دفاعی دانسته و تأکید کرده است که وابستگی ساختاری وکیل به نهادی که در فرایند تعقیب یا قضاوت نقش دارد، می‌تواند اعتماد عمومی به بی‌طرفی نظام دادرسی را کاهش دهد (Jalali, 2013). همین پیوند میان استقلال وکیل و استقلال قضایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا استقلال این دو نهاد، هرچند دارای ماهیت یکسان نیست، در نهایت به یک هدف مشترک یعنی پیشگیری از نفوذ عوامل خارج از معیارهای

حقوقی در فرایند عدالت خدمت می‌کند (Karimi, 2022). استقلال دادرس تضمین می‌کند که تصمیم قضایی بدون مداخله بیرونی گرفته شود و استقلال وکیل تضمین می‌کند که دفاع بدون ملاحظه منافع و خواست نهادهای قدرت سامان یابد.

از منظر ماهیت عقد وکالت، وکیل نماینده‌ای است که در چهارچوب اختیارات ناشی از رابطه وکالتی و الزامات قانونی به حمایت از منافع مشروع موکل می‌پردازد. رابطه وکیل و موکل بر اعتماد، امانت و رعایت مصلحت موکل مبتنی است و همین عناصر، محدودیت‌ها و الزامات ویژه‌ای برای وکیل ایجاد می‌کنند. وکیل مستقل به معنای وکیلی نیست که از هر قید حقوقی آزاد باشد؛ بلکه استقلال حرفه‌ای در درون ساختار مسئولیت و اخلاق حرفه‌ای معنا پیدا می‌کند. او از یک سو باید در برابر مداخلات بیرونی مصون باشد و از سوی دیگر نمی‌تواند استقلال را بهانه‌ای برای نقض قانون، گمراه ساختن دادگاه یا کمک به ارتکاب جرم قرار دهد. اصول حاکم بر رابطه وکیل و موکل بر امانت‌داری، رعایت حدود اختیار، حفظ منافع مشروع موکل و پرهیز از تعارض منافع تأکید دارند (Ahmadi, 2015). بنابراین، استقلال حرفه‌ای مفهومی دوجبه‌ای است: آزادی از فشار بیرونی و التزام درونی به قانون و اخلاق حرفه‌ای.

در چارچوب فقهی نیز وکالت از عقود شناخته شده است و مشروعیت آن بر امکان نیابت در اموری استوار می‌شود که مباشرت شخص در آنها ضروری نیست. با پذیرش اصل نمایندگی، وکیل در حدود اختیار اعطاشده اقدام می‌کند و باید مصلحت و غبطه موکل را رعایت کند. هرچند وکالت کیفری معاصر از حیث ساختار و کارکرد تفاوت‌های چشمگیری با صورت سنتی عقد وکالت دارد، اصولی همچون امانت، وفای به عهد، منع خیانت، حفظ اسرار و رعایت مصالح مشروع موکل می‌توانند مبانی فقهی مناسبی برای تبیین اخلاق و استقلال حرفه‌ای وکیل فراهم آورند. از این منظر، استقلال نه امتیازی شخصی، بلکه شرط انجام صحیح تکلیف ناشی

از وکالت است؛ زیرا اگر شخص ثالث بتواند وکیل را به عدول از مصلحت موکل وادار کند، ماهیت امانی رابطه وکالت دچار خدشه می‌شود. مباحث حقوقی مربوط به جایگاه حرفه‌ای وکیل نیز بر همین پیوند میان استقلال، امانت و وظیفه دفاعی تأکید کرده‌اند (Abbasi, 2024). بدین ترتیب می‌توان از مبانی عمومی فقه معاملات و قواعد اخلاقی حاکم بر امانت و حفظ سر برای تقویت نظری جایگاه مستقل وکیل استفاده کرد، هرچند نهاد وکالت کیفری امروز نیازمند تنظیماتی بسیار گسترده‌تر از قواعد سنتی عقد وکالت است.

دادرسی منصفانه در حقوق کیفری، در سطح ماهوی و آیینی، مستلزم آن است که متهم فرصت واقعی برای دفاع از خود داشته باشد. این فرصت واقعی با صرف امکان حضور فیزیکی در دادگاه تحقق نمی‌یابد. شخص باید ماهیت اتهام را بفهمد، از ادله اصلی علیه خود آگاه باشد، زمان کافی برای آمادگی داشته باشد، بتواند با وکیل مشورت کند و فرصت اعتراض به مستندات طرف تعقیب را بیابد. اصول دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و ادبیات تطبیقی، مجموعه‌ای از حقوق را تشکیل می‌دهند که باید در تمام مراحل فرایند کیفری رعایت شوند (Hariri, 2024). حق دفاع در این منظومه نه یک حق تشریفاتی، بلکه سازوکاری برای کنترل خطاهای قضایی و جلوگیری از محکومیت‌های نارواست (Moradi, 2022). هر اندازه شدت پیامدهای کیفری بیشتر باشد، ضرورت برخورداری از دفاع تخصصی و مؤثر نیز افزایش می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین وجوه استقلال وکیل آن است که وی باید بتواند در برابر عملکرد ضابطان، دادستان و دادگاه موضع حقوقی مستقل اتخاذ کند. ماهیت فرایند کیفری به گونه‌ای است که مقام تعقیب برای اثبات اتهام از اختیارات گسترده‌ای مانند تحقیق، احضار، جلب، ارجاع به کارشناسی و دسترسی به اطلاعات برخوردار است. در چنین وضعیتی، اگر وکیل صرفاً حضوری تشریفاتی داشته

وکیل تحت کنترل نهادی باشد که خود بخشی از دستگاه تعقیب یا رسیدگی محسوب می‌شود، خطر ایجاد تعارض ساختاری افزایش می‌یابد. استقلال کانون وکلا به این معنا نیست که حرفه وکالت خارج از نظارت قانون قرار گیرد، بلکه هدف آن است که نظارت بر رفتار حرفه‌ای با سازوکاری انجام شود که استقلال دفاع را تضعیف نکند. ارتباط میان حق دفاع و استقلال نهاد وکالت در ادبیات حقوقی ایران به‌طور مشخص مورد توجه قرار گرفته است (Ranjbar, 2017). استقلال حرفه‌ای همچنین یکی از مؤلفه‌های اعتماد عمومی به عدالت کیفری است؛ زیرا شهروند باید اطمینان داشته باشد که وکیل او می‌تواند بدون نگرانی از پیامدهای حرفه‌ای نامشروع، از حقوق وی دفاع کند.

در عین حال، استقلال وکیل مطلق نیست. رفتار حرفه‌ای وکیل باید در چهارچوب قانون، قواعد انتظامی و الزامات اخلاقی باقی بماند. وکیل نمی‌تواند به استناد استقلال حرفه‌ای در روند اجرای عدالت اختلال کند، ادله را مخفی یا جعل کند یا از ابزارهای دفاعی برای تحقق اهداف غیرقانونی بهره ببرد. تمایز میان دفاع قاطع و رفتار غیرقانونی اهمیت اساسی دارد. استقلال زمانی حمایت می‌شود که رفتار وکیل در محدوده وظایف مشروع حرفه‌ای باشد. همین امر ضرورت وجود قواعد روشن و قابل پیش‌بینی درباره مسئولیت انتظامی وکیل را آشکار می‌سازد؛ زیرا مقررات مبهم می‌توانند به ابزاری برای اعمال فشار بر دفاع تبدیل شوند، در حالی که نبود نظارت نیز ممکن است اعتماد عمومی به حرفه را کاهش دهد. حقوق و تکالیف وکیل باید در تعادلی قرار گیرند که هم شأن دادرسی و هم استقلال دفاع حفظ شود (Eslami, 2023).

رابطه میان استقلال وکیل و اصل بی‌طرفی قضایی نیز پیچیده و مکمل است. دادگاه نباید وکیل را به دلیل اتخاذ یک استراتژی دفاعی قانونی یا نقد ادله دادستان با محدودیت ناموجه مواجه کند. در مقابل، وکیل نیز باید استقلال دادگاه و نظم رسیدگی را محترم بشمارد. استقلال هر یک از این بازیگران باید استقلال دیگری را

باشد و امکان بررسی مشروعیت اقدامات صورت‌گرفته یا طرح اعتراض مؤثر را نداشته باشد، عدم تعادل ساختاری میان طرفین تشدید خواهد شد. مطالعات درباره حق وکیل در تحقیقات مقدماتی نشان داده‌اند که این مرحله برای تضمین حقوق متهم اهمیت بنیادین دارد، زیرا بسیاری از ادله مؤثر در سرنوشت پرونده در همین مرحله شکل می‌گیرند (Babaei & Afrasiabi, 2012). تحولات قانون آیین دادرسی کیفری نیز در جهت افزایش حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی تحلیل شده‌اند (Saghian, 2013). با این حال، اثربخشی این تحولات به نحوه اجرای مقررات و میزان امکان مداخله واقعی وکیل وابسته است.

حق برخورداری از وکیل از زمان آغاز مواجهه جدی فرد با دستگاه کیفری باید مورد حمایت قرار گیرد. اگر دسترسی به وکیل تا پس از اخذ اظهارات مهم، انجام بازجویی‌های مؤثر یا جمع‌آوری ادله اصلی به تأخیر افتد، حضور بعدی او نمی‌تواند لزوماً آثار محرومیت اولیه از مشاوره حقوقی را جبران کند. استانداردهای مربوط به حق برخورداری از وکیل در تحقیقات مقدماتی نیز بر اهمیت دسترسی زودهنگام به مشاوره حقوقی تأکید دارند (Ziaifard, 2007). در حقوق ایران، مطالعات مختلف نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی را از منظر حمایت از متهم و جلوگیری از نقض حقوق دفاعی بررسی کرده‌اند (Mohseni, 2021). فلسفه این حضور آن است که متهم در حساس‌ترین مرحله مواجهه با دستگاه کیفری تنها نماند و بتواند پیش از اتخاذ تصمیم‌هایی که ممکن است آثار جدی علیه او داشته باشند، از مشاوره تخصصی استفاده کند.

استقلال حرفه‌ای وکیل همچنین با اصل استقلال کانون وکلا مرتبط است. سازمان حرفه‌ای مستقل می‌تواند در صدور پروانه، نظارت انتظامی، حمایت از اعضا و تعیین استانداردهای حرفه‌ای نقش مهمی ایفا کند. اگر همه ابعاد ورود، ادامه اشتغال و نظارت انضباطی

محرمانگی رابطه وکیل و موکل به عنوان تضمین استقلال و دفاع مؤثر

محرمانگی رابطه وکیل و موکل یکی از بنیادی‌ترین لوازم دفاع مؤثر است، زیرا وکیل بدون دسترسی به اطلاعات کامل و صادقانه نمی‌تواند ارزیابی حقوقی دقیقی از پرونده ارائه کند. متهم ممکن است اطلاعاتی در اختیار داشته باشد که افشای آنها برای دیگران به زیان وی تمام شود، اما برای تنظیم استراتژی دفاع ضروری باشد. اگر وی احتمال دهد گفت‌وگوهایش با وکیل شنود می‌شود، اسناد ارائه‌شده به وکیل در معرض دسترسی مقام تعقیب است یا وکیل ممکن است مجبور به افشای مطالب محرمانه شود، طبیعی است که بخشی از اطلاعات را پنهان کند. نتیجه چنین وضعیتی، تضعیف کیفیت دفاع و افزایش احتمال خطا در تصمیم‌گیری است. رازداری در رابطه وکیل و موکل از اصول شناخته‌شده حرفه وکالت است و از ماهیت امانی این رابطه ناشی می‌شود (Ahmadi, 2015). استقلال حرفه‌ای وکیل نیز ایجاب می‌کند که تعهد او به حفظ اطلاعات موکل در برابر فشارهای بیرونی حمایت شود (Abbasi, 2024).

محرمانگی را باید از دو منظر تکلیف و حق بررسی کرد. از منظر نخست، وکیل مکلف است اطلاعاتی را که به سبب رابطه حرفه‌ای دریافت کرده است بدون مجوز قانونی یا رضایت معتبر موکل افشا نکند. این الزام اعتماد لازم برای استمرار رابطه وکالتی را ایجاد می‌کند. از منظر دوم، متهم حق دارد با وکیل خود در فضایی خصوصی و مصون از نظارت غیرموجه ارتباط برقرار کند. اگر تنها بر تکلیف وکیل به رازداری تأکید شود، اما دولت بتواند آزادانه مکالمات میان وکیل و متهم را کنترل کند، هدف محرمانگی تحقق نخواهد یافت. بنابراین، محرمانگی حرفه‌ای هم تکلیف منفی وکیل نسبت به عدم افشا و هم تکلیف منفی مقامات عمومی نسبت به عدم مداخله ناموجه در ارتباطات دفاعی را شامل می‌شود. حق برخورداری از وکیل در مفهوم مؤثر آن، مستلزم امکان مشاوره

تقویت کند. دستگاه قضایی مستقل به وکیل اجازه می‌دهد استدلال خود را بدون ترس از مداخلات غیرحقوقی مطرح کند و حرفه وکالت مستقل نیز با ارائه دفاع تخصصی، کیفیت تصمیم‌گیری قضایی را افزایش می‌دهد. بنابراین، استقلال قاضی و استقلال وکیل دو ضلع رقیب نیستند، بلکه اجزای مکمل ساختار دادرسی عادلانه‌اند (Karimi, 2022). نظام قضایی‌ای که در آن قاضی مستقل اما دفاع ضعیف و وابسته باشد، همچنان در معرض خطای ساختاری قرار دارد.

از منظر حقوق بشری نیز نقش وکیل مستقل در تضمین آزادی‌های فردی برجسته است. حق دفاع، به‌ویژه در پرونده‌هایی که مجازات‌های شدید مطرح است، یکی از مهم‌ترین موانع در برابر اعمال خودسرانه قدرت کیفری به‌شمار می‌رود. مطالعه جایگاه وکالت در نظام حقوق بشری نشان می‌دهد که وکیل نقش میانجی میان فرد و قدرت عمومی را ایفا می‌کند و می‌تواند نقض حقوق را در مراحل اولیه شناسایی و مستندسازی کند (Safari, 2011). در نظام عدالت کیفری ایران نیز تحلیل حقوق بشری وکالت بر ضرورت تقویت دسترسی مؤثر متهم به مشاوره حقوقی و تضمین استقلال دفاع تأکید دارد (Rostami, 2021). بنابراین، ارزیابی استقلال وکیل باید هم قواعد حقوق داخلی و هم الزامات ناشی از مفهوم دادرسی منصفانه را در نظر بگیرد.

بر این اساس، مبنای نظری پژوهش حاضر آن است که استقلال حرفه‌ای وکیل چهار مؤلفه اصلی دارد: استقلال نهادی حرفه وکالت، استقلال عملکردی وکیل در انتخاب شیوه دفاع، مصونیت رابطه محرمانه وکیل و موکل و برخورداری وکیل از امکانات لازم برای مشارکت مؤثر در فرایند. هر یک از این مؤلفه‌ها مستقیماً بر کیفیت دادرسی اثر می‌گذارند و ضعف هر کدام می‌تواند استقلال را به مفهومی صرفاً اسمی تبدیل کند. در ادامه، محرمانگی به عنوان نخستین تجلی عملی این استقلال و سپس اصل تساوی سلاح‌ها و نهاد وکالت تسخیری به عنوان دو مؤلفه دیگر بررسی می‌شوند.

خورده است (Babaei & Afrasiabi, 2012). توسعه حقوق و آزادی‌های متهم در قوانین آیین دادرسی نیز زمانی مؤثر خواهد بود که این حقوق به‌طور عملی و نه صرفاً شکلی اجرا شوند (Saghian, 2013).

یکی از مسائل مهم در این حوزه، تمایز میان «نظارت امنیتی بر ملاقات» و «نظارت بر محتوای ارتباط» است. در برخی شرایط ممکن است ملاحظات امنیتی ایجاب کند که ملاقات وکیل با متهم در محیطی تحت کنترل فیزیکی برگزار شود، اما این امر لزوماً مجوز شنیدن یا ضبط محتوای گفت‌وگو نیست. می‌توان امنیت محیط را تضمین کرد و هم‌زمان حریم ارتباط حرفه‌ای را محترم شمرد. مداخله در محتوای گفت‌وگو باید استثنایی، مبتنی بر دلیل قوی و تابع سازوکار قانونی روشن باشد. در غیر این صورت، مقام تعقیب ممکن است از اطلاعات مربوط به راهبرد دفاعی متهم آگاه شود و این امر اصل تساوی سلاح‌ها را نیز نقض کند. زیرا محرمانگی صرفاً به حریم خصوصی مربوط نیست، بلکه مستقیماً با توازن موقعیت طرفین ارتباط دارد.

محرمانگی اسناد و مکاتبات نیز به اندازه گفت‌وگوی شفاهی اهمیت دارد. در دادرسی امروز، بخش مهمی از ارتباط میان وکیل و موکل ممکن است از طریق نامه، پیام الکترونیکی، فایل‌های دیجیتال، یادداشت‌های پرونده و تبادل اسناد انجام گیرد. حمایت از محرمانگی باید تمامی این اشکال ارتباط را دربر گیرد. اگر یادداشت‌های دفاعی وکیل، پیش‌نویس استدلال‌های او یا مکاتبات با موکل بدون ضابطه در اختیار طرف تعقیب قرار گیرد، حتی در صورت محرمانه بودن جلسات حضوری، حق دفاع همچنان مخدوش خواهد شد. استقلال دفاع مستلزم وجود فضایی است که در آن وکیل بتواند آزادانه فرضیه‌های حقوقی مختلف را بررسی کند، نقاط ضعف پرونده را با موکل در میان بگذارد و درباره راهبرد مناسب تصمیم بگیرد.

محرمانه است (Heydari, 2010). بررسی معیارهای بین‌المللی مربوط به دسترسی به وکیل نیز نشان می‌دهد که فرصت مشاوره واقعی و خصوصی با وکیل از اجزای مهم حق دفاع محسوب می‌شود (Ziaifard, 2007).

مبنای فقهی حفظ اسرار را می‌توان در اصول گسترده‌تری مانند امانت‌داری، حرمت افشای اسرار اشخاص، منع اضرار و لزوم رعایت تعهد ناشی از رابطه وکالتی جست‌وجو کرد. وکیل زمانی که اطلاعاتی را صرفاً به اقتضای حرفه و به اعتماد رابطه نمایندگی دریافت می‌کند، نسبت به آن اطلاعات در موقعیت امانی قرار دارد. افشای بدون مجوز چنین اطلاعاتی می‌تواند هم نقض اعتماد و هم موجب ورود زیان مادی یا معنوی به موکل شود. البته مانند بسیاری از قواعد حقوقی، محرمانگی ممکن است در موارد استثنایی و مواجهه با منافع برتر قانونی محدود شود؛ اما استثنایا باید مضیق و روشن باشند. اگر دامنه استثنایا گسترده یا مبهم باشد، اصل محرمانگی کارکرد خود را از دست خواهد داد، زیرا موکل پیشاپیش نمی‌تواند بداند کدام بخش از ارتباط او محفوظ خواهد ماند. از منظر اصول حاکم بر رابطه وکیل و موکل، حفظ اسرار یکی از آثار منطقی تعهد به امانت و رعایت مصلحت مشروع موکل است (Ahmadi, 2015).

محرمانگی در مرحله بازداشت و تحقیقات مقدماتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. شخص بازداشت‌شده معمولاً در شرایطی قرار دارد که آزادی رفت‌وآمد ندارد، اطلاعات محدودی درباره پرونده در اختیار اوست و ارتباطش با جهان خارج تحت نظارت قرار دارد. در چنین وضعیتی، وکیل ممکن است تنها شخصی باشد که بتواند اطلاعات حقوقی مستقل در اختیار او قرار دهد. اگر ملاقات میان وکیل و متهم در حضور مأموران یا به نحوی صورت گیرد که محتوای گفت‌وگو قابل استماع باشد، متهم عملاً امکان طرح مسائل حساس را از دست می‌دهد. حمایت از حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به همین دلیل با حق تماس و مشورت مؤثر با وکیل پیوند

موضوع تفتیش دفتر وکیل یا دسترسی به اسناد حرفه‌ای وی نیز از همین منظر قابل تحلیل است. وکیل ممکن است همزمان پرونده‌های متعددی داشته باشد و اسناد موجود در دفتر یا تجهیزات دیجیتال او حاوی اطلاعات محرمانه اشخاصی باشد که هیچ ارتباطی با موضوع تحقیق جاری ندارند. بنابراین، هرگونه جست‌وجو در چنین فضایی باید با تضمین‌های ویژه همراه باشد تا اطلاعات موکلان دیگر و اسرار حرفه‌ای بی‌ارتباط با تحقیق در معرض افشا قرار نگیرد. این مسئله از الزامات استقلال حرفه‌ای و حفظ اعتماد عمومی به وکالت است. تأکید بر استقلال حرفه‌ای در آثار حقوقی معاصر ایران نیز ناظر به همین ضرورت است که ابزارهای قانونی نباید به شیوه‌ای اعمال شوند که ماهیت دفاع مستقل را مخدوش کنند (Hashemi, 2024).

محرمانگی همچنین با حق سکوت متهم رابطه‌ای نزدیک دارد. متهم برای تصمیم‌گیری درباره استفاده از حق سکوت نیازمند آگاهی حقوقی است و مشاوره با وکیل می‌تواند به او کمک کند آثار سخن گفتن یا سکوت کردن را بفهمد. اگر این مشاوره محرمانه نباشد، متهم ممکن است از بیان اطلاعات لازم برای دریافت توصیه حقوقی خودداری کند و در نتیجه تصمیمی ناآگاهانه بگیرد. حق دفاع در تحقیقات مقدماتی دقیقاً در همین نقطه اهمیت خود را آشکار می‌کند (Mohseni, 2021). وکیل می‌تواند به متهم توضیح دهد که کدام پرسش‌ها مرتبطانند، چه حقوقی دارد و چگونه می‌تواند از ارائه اظهارات نادرست یا خودمته‌م‌ساز ناشی از فشار جلوگیری کند. این کارکرد بدون رابطه محرمانه تا حد زیادی از بین می‌رود.

با وجود اهمیت اصل محرمانگی، این اصل مطلق نیست. ممکن است در موارد بسیار محدود، برای مثال در مواجهه با سوءاستفاده از رابطه وکالتی برای تسهیل رفتار مجرمانه آتی، مسائل پیچیده‌ای درباره دامنه حمایت مطرح شود. با این حال، نباید میان اطلاعات مربوط به جرم مورد اتهام که برای دفاع در اختیار وکیل قرار

می‌گیرد و استفاده از وکیل به‌عنوان ابزار ارتکاب جرم جدید خلط کرد. اگر صرف طرح اطلاعات زیان‌بار درباره رفتار گذشته موجب سقوط محرمانگی شود، متهم هیچ‌گاه نمی‌تواند آزادانه با وکیل صحبت کند. از سوی دیگر، نظام حقوقی نیز نمی‌تواند حرفه وکالت را پوششی برای فعالیت مجرمانه قرار دهد. بنابراین، مرزبندی روشن و مضیق میان دفاع مشروع و سوءاستفاده از امتیاز محرمانگی ضروری است.

در حقوق کیفری ایران، توجه به حق برخورداری از وکیل افزایش یافته است، اما حمایت کامل از محرمانگی باید به‌صورت منسجم‌تر در کلیه مراحل دادرسی دیده شود. حق حضور وکیل بدون تضمین ملاقات خصوصی و دسترسی امن به اسناد نمی‌تواند تمام آثار خود را ایجاد کند. بررسی حقوق دفاعی در نظام کیفری ایران نشان داده است که کیفیت حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی یکی از چالش‌های کلیدی است (Maleki et al., 2019). همچنین تحول مقررات مربوط به وکیل باید از منظر امکان اعمال واقعی دفاع و نه صرف پیش‌بینی حضور او ارزیابی شود (Eslami, 2023). به همین سبب، نیاز است محرمانگی ارتباطات وکیل و موکل در مقررات داخلی با صراحت بیشتر و ضمانت اجرای روشن‌تری مورد حمایت قرار گیرد.

وجه دیگر مسئله، تعارض احتمالی میان محرمانگی و وظیفه وکیل نسبت به دادگاه است. وکیل نمی‌تواند دادگاه را عمداً گمراه کند، اما این اصل به معنای الزام او به افشای هر اطلاعات زیان‌بار موکل نیست. وظیفه دفاع ایجاب می‌کند که وکیل در محدوده قانون از حقوق موکل حمایت کند، بدون آنکه به ابزار اثبات اتهام برای طرف مقابل تبدیل شود. این تمایز برای استقلال حرفه‌ای بنیادی است. اگر وکیل در هر موردی که از اطلاعاتی علیه موکل آگاه می‌شود مکلف به انتقال آن به مقام تعقیب باشد، رابطه وکالتی ماهیت خود را از دست می‌دهد. در چنین سیستمی متهم منطقی هیچ انگیزه‌ای برای صداقت با وکیل نخواهد داشت.

معنای یکسان بودن قدرت واقعی دولت و متهم نیست، زیرا دولت به سبب وظیفه عمومی تعقیب جرم از امکانات ساختاری و اقتداراتی برخوردار است که نمی‌توان مشابه آن را به اشخاص خصوصی اعطا کرد. هدف اصل تساوی سلاح‌ها آن است که این تفاوت طبیعی و نهادی به وضعیت چنان نامتوازنی تبدیل نشود که متهم عملاً نتواند از خود دفاع کند. مقام تعقیب از ضابطان، امکانات تحقیقاتی، دسترسی به کارشناسان و ابزارهای قانونی جمع‌آوری ادله برخوردار است؛ در مقابل، متهم غالباً فاقد دانش حقوقی تخصصی و منابع مشابه است. حضور وکیل مستقل مهم‌ترین وسیله برای کاهش این عدم تقارن محسوب می‌شود. تحلیل مفهوم دادرسی منصفانه نشان می‌دهد که حق دفاع زمانی واقعی است که فرصت پاسخ‌گویی مؤثر به ادله و استدلال‌های طرف تعقیب وجود داشته باشد (Hariri, 2024). حقوق دفاعی نیز باید به گونه‌ای تنظیم شوند که متهم امکان مشارکت مؤثر در فرایند را داشته باشد، نه آنکه صرفاً مخاطب تصمیم‌های مقامات رسمی باشد (Moradi, 2022).

تساوی سلاح‌ها ارتباط مستقیمی با دسترسی وکیل به پرونده دارد. وکیلی که از محتوای ادله، اظهارات شهود، نظریات کارشناسی یا اسناد مبنای اتهام اطلاع کافی ندارد، نمی‌تواند پاسخ حقوقی مؤثری ارائه کند. محدودیت دسترسی ممکن است در برخی مراحل و به دلایل مشخص تحقیقاتی توجیه شود، اما چنین محدودیتی نباید چنان گسترده یا طولانی باشد که اساس حق دفاع را خنثی کند. یکی از محورهای مطالعات مربوط به تحقیقات مقدماتی در ایران نیز چگونگی دسترسی وکیل و نقش او در این مرحله بوده است (Maleki et al., 2019). حق برخورداری از وکیل در تحقیقات مقدماتی تنها زمانی معنا دارد که وکیل بتواند اطلاعات لازم برای ارائه مشاوره را دریافت کند (Mohseni, 2021). اگر وکیل صرفاً اجازه حضور داشته باشد اما از دانستن موضوع اتهام یا ادله اصلی محروم باشد، نقش او به مشاهده‌گری محدود تبدیل می‌شود.

از نظر تطبیقی، جهت‌گیری غالب در مفهوم مدرن دادرسی منصفانه آن است که محرمانگی ارتباط با وکیل جزء لاینفک حق دفاع تلقی شود. هرگونه محدودیت باید ضرورت روشن داشته و متناسب باشد و نباید چنان گسترده شود که مقام تعقیب به راهبرد دفاعی دسترسی پیدا کند. تحلیل‌های مرتبط با استانداردهای بین‌المللی حق برخورداری از وکیل نیز بر چنین ارتباطی میان دسترسی مؤثر، محرمانگی و کیفیت دفاع تأکید می‌کنند (Ziaifard, 2007). از منظر حقوق بشر، دفاع مؤثر زمانی شکل می‌گیرد که متهم بتواند بدون مداخله ناموجه حکومت از مشاوره حقوقی مستقل بهره گیرد (Safari, 2011).

بنابراین، محرمانگی را باید سازوکاری دوگانه برای حمایت از فرد و تضمین صحت نظام عدالت دانست. این اصل از یک سو حقوق خصوصی متهم و اعتماد او به وکیل را حفاظت می‌کند و از سوی دیگر با افزایش کیفیت اطلاعات در اختیار وکیل، به دادگاه امکان می‌دهد با دفاعی دقیق‌تر و استدلال‌هایی کامل‌تر مواجه شود. محرمانگی به معنای پنهان‌سازی حقیقت از دادگاه نیست، بلکه تضمین می‌کند که حقیقت از طریق فرایندی منصفانه و با رعایت نقش‌های نهادی کشف شود. دادستان وظیفه اثبات اتهام دارد و وکیل وظیفه دفاع؛ از بین بردن مرز محرمانگی، این تقسیم کار را مخدوش می‌کند و ممکن است وکیل را به امتداد ساختار تعقیب تبدیل سازد. به همین دلیل، تقویت حمایت قانونی از ملاقات خصوصی، مکاتبات حرفه‌ای، اسناد دفاعی و اطلاعات مرتبط با استراتژی وکالت باید یکی از محورهای اصلاح نظام دفاع کیفری در ایران باشد.

تساوی سلاح‌ها و وکالت تسخیری در پرتو استقلال حرفه‌ای وکیل

اصل تساوی سلاح‌ها یکی از جلوه‌های بنیادی دادرسی منصفانه است که بر ضرورت برخورداری طرفین از فرصت معقول و مؤثر برای ارائه مواضع خود تأکید دارد. در دعوای کیفری، این اصل به

تساوی سلاح‌ها همچنین ایجاب می‌کند که وکیل زمان و امکانات کافی برای آماده‌سازی دفاع داشته باشد. در پرونده‌های پیچیده، مطالعه حجم زیاد اسناد، گفت‌وگو با موکل، بررسی مستندات کارشناسی و یافتن تناقض‌های احتمالی نیازمند زمان است. تعیین وکیل در فاصله کوتاه پیش از جلسه دادگاه یا ارائه پرونده در زمانی که امکان بررسی واقعی وجود ندارد، ممکن است ظاهر حق دفاع را حفظ کند اما محتوای آن را از بین ببرد. دفاع مؤثر مفهومی کیفی است و نمی‌توان آن را صرفاً بر اساس حضور نام وکیل در صورت جلسه سنجید. اهمیت آماده‌سازی مناسب دفاع در آثار مربوط به حقوق دفاعی متهم نیز مورد تأکید قرار گرفته است (Salehi, 2023). دفاع کیفری نیازمند فرصت کافی برای تحلیل و اتخاذ استراتژی است (Nasiri, 2016).

یکی دیگر از ابعاد تساوی سلاح‌ها، امکان اعتراض به شیوه تحصیل ادله است. اگر دلیلی از طریق نقض حقوق متهم یا تخطی از تشریفات قانونی به دست آمده باشد، وکیل باید بتواند مشروعیت آن را مورد مناقشه قرار دهد. استقلال حرفه‌ای در اینجا نقشی حیاتی دارد؛ زیرا وکیل نباید از طرح ایراد نسبت به اقدامات ضابطان یا مقامات قضایی به دلیل نگرانی از پیامدهای حرفه‌ای خودداری کند. دفاع مؤثر گاه مستلزم نقد مستقیم عملکرد نهادهای عمومی است و اگر این امکان محدود شود، وکیل عملاً نمی‌تواند نقش کنترل‌کننده خود را ایفا کند. استقلال حرفه‌ای و حق دفاع از همین رو به‌طور ساختاری با یکدیگر پیوند دارند (Ranjbar, 2017). استقلال وکیل در تحلیل ادله و طرح ایرادات قانونی نیز بخشی از مفهوم گسترده‌تر استقلال حرفه وکالت است (Jalali, 2013).

اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی با حساسیت بیشتری مواجه است. در این مرحله، مقام تحقیق می‌تواند تصمیم‌هایی اتخاذ کند که بر آزادی فرد و مسیر پرونده اثر فوری دارند. متهم ممکن است تحت بازداشت باشد و هنوز شناخت

کاملی از اتهام و ساختار پرونده نداشته باشد. در چنین شرایطی، وکیل نقش مهمی در جلوگیری از عدم توازن شدید دارد. مطالعات درباره حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی بر ضرورت تقویت حضور وکیل و تضمین آزادی‌های دفاعی تأکید کرده‌اند (Saghian, 2013). بررسی‌های پیشین درباره حق برخورداری از وکیل نیز مرحله تحقیق را یکی از حساس‌ترین مقاطع برای حمایت از دفاع دانسته‌اند (Babaei & Afrasiabi, 2012). هرچه دسترسی وکیل در این مرحله محدودتر شود، امکان جبران کامل آثار آن در مراحل بعدی کاهش می‌یابد.

وکالت تسخیری را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. تساوی سلاح‌ها زمانی به‌صورت ساختاری نقض می‌شود که متهم تنها به علت فقر یا ناتوانی مالی از دفاع تخصصی محروم بماند. حق برخورداری از وکیل اگر صرفاً برای کسانی قابل استفاده باشد که توان پرداخت حق الوکاله دارند، نمی‌تواند تضمینی عمومی برای دادرسی منصفانه محسوب شود. نهاد وکالت تسخیری با هدف رفع این نابرابری ایجاد شده است و دولت موظف می‌شود در موارد مقرر، امکان برخورداری از وکیل را بدون تحمیل هزینه‌ای که متهم قادر به پرداخت آن نیست فراهم آورد. تحلیل حقوقی وکالت تسخیری در ایران نشان داده است که این نهاد بخشی از نظام مساعدت حقوقی و تضمین دفاع کیفری است (Mohseni, 2013). مسائل و چالش‌های اجرای آن نیز به‌طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته‌اند (Zarei, 2019).

با این حال، تمایز مهمی میان «حق داشتن وکیل» و «حق برخورداری از دفاع مؤثر» وجود دارد. ممکن است برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود، اما شرایط پرونده به گونه‌ای باشد که وکیل نتواند دفاع واقعی انجام دهد. تعیین دیر هنگام، نبود دسترسی مناسب به پرونده، حجم بالای پرونده‌های ارجاعی، ناکافی بودن حق الوکاله، دشواری ارتباط با موکل یا احساس وابستگی به مرجعی که وکیل را منصوب کرده است می‌تواند کیفیت دفاع را کاهش

دهد. بنابراین، موفقیت نظام وکالت تسخیری باید نه بر اساس تعداد انتصابات، بلکه بر اساس کیفیت خدمات حقوقی ارائه شده سنجیده شود. نقدهای وارد بر نظام وکالت تسخیری در ایران نیز بخشی از همین مسئله کیفیت و کارآمدی است (Zarei, 2019). مساعدت حقوقی تنها زمانی با فلسفه دادرسی منصفانه سازگار است که خدمات ارائه شده از حیث کیفیت به حدی برسد که امکان دفاع واقعی فراهم شود (Mohseni, 2013).

استقلال وکیل تسخیری مسئله‌ای بسیار مهم است. از آنجا که وکیل به موجب سازوکار قانونی یا تصمیم مرجع قضایی برای متهم تعیین می‌شود، ممکن است این تصور شکل گیرد که او در موقعیتی وابسته به دادگاه قرار دارد. چنین برداشتی با فلسفه وکالت تسخیری ناسازگار است. پس از تعیین وکیل، رابطه حرفه‌ای او باید همانند هر رابطه وکالتی دیگر بر وفاداری به منافع مشروع موکل، محرمانگی و استقلال در انتخاب شیوه دفاع استوار باشد. مرجع تعیین‌کننده نباید در محتوای دفاع دخالت کند و وکیل نباید خود را در برابر دادگاه یا دادرسا متعهد به نتیجه خاصی بداند. استقلال حرفه‌ای وکیل به نوع قرارداد مالی یا شیوه انتخاب او محدود نیست (Abbasi, 2024). حتی در وکالت تسخیری نیز وکیل نماینده منافع دفاعی متهم است و نه دستیار دادگاه.

مسئله حق الوکاله وکیل تسخیری نیز صرفاً جنبه اقتصادی ندارد. اگر میزان پرداخت به‌گونه‌ای باشد که با حجم و پیچیدگی پرونده تناسب نداشته باشد، ممکن است زمان قابل اختصاص به هر پرونده کاهش یابد. این وضعیت می‌تواند میان متهم برخورداری از وکیل انتخابی و متهم وابسته به وکیل تسخیری شکاف کیفی ایجاد کند. عدالت کیفری نمی‌تواند به معنای تضمین نتیجه یکسان برای همه باشد، اما باید حداقلی از کیفیت دفاع را بدون توجه به وضعیت اقتصادی فرد تضمین کند. بنابراین، تنظیم مناسب نظام مالی و سازمانی وکالت تسخیری بخشی از تضمین تساوی سلاح‌هاست.

حق انتخاب وکیل نیز با استقلال و اعتماد ارتباط دارد. اصل آن است که متهم در صورت امکان بتواند وکیل مورد اعتماد خود را انتخاب کند، زیرا رابطه دفاعی نیازمند اعتماد متقابل است. با این حال، در وکالت تسخیری ممکن است انتخاب کامل ممکن نباشد. در اینجا باید سازوکاری وجود داشته باشد که دست‌کم تعارض منافع، فقدان صلاحیت لازم یا فروپاشی جدی رابطه اعتماد قابل بررسی باشد. الزام متهم به ادامه همکاری با وکیلی که امکان برقراری رابطه حرفه‌ای مؤثر با او وجود ندارد، می‌تواند هدف نهاد را مخدوش کند. این امر به ویژه در پرونده‌های سنگین که مجازات‌های شدید مطرح است اهمیت پیدا می‌کند.

تساوی سلاح‌ها همچنین به نحوه برخورد دادگاه با دفاع و تعقیب مربوط است. دادگاه باید به طرفین فرصت مناسب برای طرح استدلال، پرسش از شهود، ارائه مستندات و پاسخ به مطالب طرف مقابل بدهد. هرچند دادستان نماینده منافع عمومی است، این موقعیت نباید سبب شود استدلال‌های او از پیش واجد اعتبار بیشتری تلقی شوند. قاضی باید ادله هر دو طرف را بر اساس معیارهای حقوقی بررسی کند. استقلال وکیل در چنین محیطی می‌تواند به دادگاه کمک کند نقاط ضعف پرونده را بهتر ببیند و از شکل‌گیری تصمیم بر اساس روایت یک‌جانبه جلوگیری کند. از این منظر، وکیل مانع تحقق عدالت نیست، بلکه بخشی از سازوکار تولید تصمیم قضایی دقیق‌تر است.

در حقوق ایران، تاریخ تحول وکالت کیفری نشان می‌دهد که حضور وکیل به تدریج از یک امکان محدود به یکی از عناصر اصلی دفاع تبدیل شده است. بررسی جایگاه وکالت در آیین دادرسی کیفری ایران بر اهمیت گسترش نقش وکیل در مراحل مختلف دادرسی تأکید دارد (Akbarian, 2014). حق دفاع و جایگاه وکیل نیز در ادبیات حقوقی جدیدتر با تأکید بیشتری بر استانداردهای دادرسی منصفانه تحلیل شده‌اند (Eslami,

(2023). با این حال، فاصله میان شناسایی قانونی یک حق و امکان استفاده مؤثر از آن همچنان باید مورد توجه قرار گیرد.

یکی از جلوه‌های این فاصله، محدودیت‌های عملی ناشی از تراکم پرونده‌ها و شرایط اداری است. حتی بهترین قواعد قانونی در شرایطی که وکیل فرصت کافی برای ملاقات با موکل یا مطالعه پرونده ندارد به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد. اصلاح نظام دفاع کیفری بنابراین باید افزون بر اصلاح قوانین، ابعاد اجرایی و نهادی را نیز شامل شود. تخصیص منابع کافی به مساعدت حقوقی، تعیین معیارهای حرفه‌ای برای وکلای تسخیری، ایجاد امکان دسترسی به پرونده در زمان مناسب و تضمین ملاقات مجرمانه از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند تساوی سلاح‌ها را از یک اصل نظری به واقعیت عملی نزدیک کنند.

در رویکرد حقوق بشری، دسترسی واقعی به وکیل یکی از ابزارهای مهم حمایت از متهم در برابر خطر سوءرفتار و تضییع حقوق است. وکیل می‌تواند در مراحل اولیه وضعیت بازداشت، رعایت حقوق قانونی و شرایط اخذ اظهارات را بررسی کند. ارتباط میان وکالت و حمایت از حقوق بشر در نظام کیفری ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است (Rostami, 2021). همچنین حق دسترسی به مشاوره حقوقی در مرحله تحقیقات در استانداردهای بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد (Ziaifard, 2007). از این منظر، تأمین وکیل تسخیری نباید فقط در مرحله محاکمه مورد توجه باشد، بلکه در مواردی که حضور زودهنگام وکیل برای حمایت از حقوق اساسی متهم ضرورت دارد باید سازوکار دسترسی سریع وجود داشته باشد.

تساوی سلاح‌ها نباید با تساوی صوری اشتباه شود. ممکن است قانون به هر دو طرف اجازه ارائه دلیل بدهد، اما یکی از آنها به دلیل نداشتن دسترسی به اطلاعات یا تخصص لازم عملاً نتواند از این حق استفاده کند. عدالت آیینی نیازمند بررسی آثار واقعی قواعد است. حضور وکیل مستقل می‌تواند بخشی از این نابرابری واقعی

را جبران کند، اما خود وکیل نیز به امکانات لازم نیاز دارد. از این رو، استقلال حرفه‌ای بدون دسترسی اطلاعاتی کافی، فرصت زمانی مناسب و امکان ارتباط مجرمانه با موکل کامل نیست. این عناصر باید به‌عنوان یک مجموعه منسجم دیده شوند.

توجه به استقلال سازمانی حرفه وکالت نیز در وکالت تسخیری مهم است. اگر سازوکار انتخاب، ارزیابی یا پرداخت وکیل چنان طراحی شود که وابستگی شدید و مستمر به مقامات قضایی ایجاد کند، ممکن است حتی بدون دستور مستقیم، انگیزه‌هایی برای خودسانسوری دفاع شکل گیرد. بنابراین، مشارکت نهاد حرفه‌ای مستقل در مدیریت نظام وکالت تسخیری می‌تواند به حفظ فاصله لازم میان دفاع و ساختار تعقیب کمک کند. استقلال نهاد وکالت، در مطالعات حقوقی ایران، با تضمین حق دفاع و اعتماد به عملکرد وکیل مرتبط دانسته شده است (Ranjbar, 2017). استقلال حرفه‌ای نیز در نهایت یکی از شرایط مشروعیت نظام دادرسی است (Hassani, 2015).

در همین راستا، آموزش تخصصی وکلای فعال در پرونده‌های کیفری اهمیت دارد. وکالت کیفری نیازمند شناخت عمیق از قواعد ادله، آیین دادرسی، حقوق متهم، شیوه‌های اعتراض به تصمیمات قضایی و فنون دفاع است. صرف داشتن پروانه وکالت به معنای برخورداری یکسان از مهارت در همه حوزه‌ها نیست. نظام وکالت تسخیری می‌تواند با ایجاد فهرست‌های تخصصی، دوره‌های آموزشی و ارزیابی مستمر کیفیت، سطح دفاع را افزایش دهد. این امر نباید به کنترل ماهوی دفاع منجر شود، بلکه هدف باید تقویت توان حرفه‌ای وکیل باشد.

از سوی دیگر، مسئولیت دادگاه در تضمین دفاع مؤثر نیز نباید نادیده گرفته شود. اگر دادگاه مشاهده کند که متهم در پرونده‌ای سنگین عملاً بدون دفاع مؤثر باقی مانده است، صرف انتصاب اسمی وکیل نباید برای رفع مسئولیت نهادی کافی تلقی شود. البته دادگاه نمی‌تواند جای وکیل تصمیم بگیرد یا در استراتژی دفاع

وکیل در اتخاذ تصمیم حرفه‌ای، حمایت از او در برابر فشارهای ناموجه و امکان برقراری ارتباط آزاد و محرمانه با موکل، اجزای یک نظام منسجم هستند و نمی‌توان با تقویت یک جزء و بی‌توجهی به سایر اجزا انتظار تحقق کامل دادرسی منصفانه را داشت.

تحلیل فقهی مسئله نیز نشان می‌دهد که هرچند مفهوم جدید استقلال حرفه‌ای وکیل در قالب نهادی امروزی خود محصول توسعه ساختارهای مدرن دادرسی است، مبانی آن با اصول فقهی حاکم بر وکالت، امانت، وفای به تعهد، منع اضرار، رعایت مصلحت موکل و حرمت افشای اسرار قابل سازگاری و پشتیبانی است. وکیل در رابطه وکالتی صرفاً شخصی نیست که به جای دیگری عملی حقوقی انجام دهد، بلکه در دادرسی کیفری مسئولیتی پیچیده در صیانت از حقوق موکل، کنترل مشروعیت اعمال قدرت و کمک به شکل‌گیری فرایندی عادلانه بر عهده دارد. از این منظر، مداخله ناموجه در استقلال او نه تنها حق شخص وکیل، بلکه حق موکل و در سطحی وسیع‌تر سلامت نظام قضایی را متأثر می‌کند. هر اندازه وکیل بتواند وظایف حرفه‌ای خود را در چهارچوب قانون و اخلاق حرفه‌ای، اما بدون فشار بیرونی انجام دهد، احتمال آنکه فرایند قضایی به تصمیمی دقیق‌تر و مشروع‌تر منتهی شود افزایش می‌یابد.

محرمانگی رابطه وکیل و موکل نخستین عرصه‌ای است که استقلال حرفه‌ای در آن به‌صورت عملی آزموده می‌شود. بدون تضمین محرمانگی، اعتماد لازم برای انتقال کامل اطلاعات شکل نمی‌گیرد و وکیل نمی‌تواند تصویری دقیق از وضعیت حقوقی موکل به دست آورد. از این رو، رازداری حرفه‌ای را نباید صرفاً تکلیف شخصی وکیل دانست، بلکه دولت و مقامات قضایی نیز موظف‌اند از مداخلات ناموجه در ارتباطات دفاعی خودداری کنند. ملاقات خصوصی، مصونیت مکاتبات، حفاظت از یادداشت‌ها و اسناد دفاعی و رعایت حدود قانونی در هرگونه تفتیش مرتبط با دفتر یا ابزارهای ارتباطی وکیل از لوازم این اصل است. البته محرمانگی

دخالت کند، اما می‌تواند زمان کافی برای آماده‌سازی فراهم سازد، امکان دسترسی به پرونده را تضمین کند و از مداخلات ناموجه در رابطه وکیل و موکل جلوگیری کند. این رویکرد میان استقلال دفاع و مسئولیت دادگاه در اداره منصفانه دادرسی تعادل ایجاد می‌کند. در مجموع، تساوی سلاح‌ها، وکالت تسخیری و استقلال حرفه‌ای سه حلقه به‌هم‌پیوسته هستند. تساوی سلاح‌ها هدفی را مشخص می‌کند که بر اساس آن متهم نباید در موقعیت دفاعی نامعقولاً ضعیف قرار گیرد؛ وکالت تسخیری ابزار دسترسی همگانی به دفاع تخصصی را فراهم می‌کند؛ و استقلال حرفه‌ای تضمین می‌کند که این دفاع، چه انتخابی و چه تسخیری، بتواند بدون مداخله ناموجه وظیفه خود را انجام دهد. اصلاح حقوق کیفری ایران در این حوزه باید بر ترکیب این سه عنصر متمرکز باشد و از اصلاحات صرفاً شکلی فراتر رود. تقویت دسترسی زودهنگام به وکیل، تضمین محرمانگی، توسعه دسترسی به پرونده، بهبود شرایط وکالت تسخیری، تعیین معیارهای مناسب برای کیفیت دفاع و حمایت نهادی از استقلال کانون‌های وکلا می‌تواند گامی اساسی در جهت تحقق عملی دادرسی منصفانه باشد.

نتیجه‌گیری

استقلال حرفه‌ای وکیل یکی از ارکان بنیادین دادرسی منصفانه است و نمی‌توان آن را صرفاً به‌عنوان مطالبه‌ای صنفی یا امتیازی برای اعضای حرفه وکالت تلقی کرد. فلسفه اصلی استقلال وکیل در نظام عدالت کیفری آن است که فردی که در برابر قدرت سازمان‌یافته حکومت قرار گرفته است بتواند از مساعدت متخصصی برخوردار شود که وفاداری حرفه‌ای او معطوف به دفاع از حقوق مشروع موکل باشد و در تنظیم استراتژی دفاعی تحت تأثیر فشارهای سیاسی، اداری، قضایی یا سازمانی قرار نگیرد. بررسی انجام‌شده نشان داد که استقلال حرفه‌ای واجد ابعاد نهادی، عملکردی و ارتباطی است و هر یک از این ابعاد در تحقق حق دفاع مؤثر نقش مستقیمی ایفا می‌کنند. استقلال کانون وکلا، آزادی

نمی‌تواند پوششی برای ارتکاب جرم جدید باشد، اما استثنای وارد بر آن باید محدود، روشن، قانونی و قابل کنترل باشند. توسعه استثنای مبهم می‌تواند اعتماد به رابطه وکالتی را از میان ببرد و متهم را به خودسانسوری در برابر وکیل سوق دهد.

بررسی اصل تساوی سلاح‌ها نیز نشان داد که این اصل مستلزم برابری مطلق دولت و متهم نیست، بلکه هدف آن جلوگیری از ایجاد عدم تعادلی است که در آن یکی از طرفین عملاً توان ارائه موضع خود را از دست بدهد. قدرت ساختاری دادستان و ضابطان، دسترسی آنان به امکانات تحقیقاتی و قدرت قانونی دولت سبب می‌شود که متهم به‌طور طبیعی در موقعیتی ضعیف‌تر قرار گیرد. وکیل مستقل یکی از مهم‌ترین ابزارهای جبران این عدم تعادل است. با این حال، حضور صوری وکیل کافی نیست. دفاع واقعی نیازمند دسترسی به اطلاعات پرونده، فرصت مناسب برای مطالعه، امکان گفت‌وگوی محرمانه با موکل، اختیار طرح ایرادات حقوقی و امکان مواجهه مؤثر با ادله طرف تعقیب است. هر مقرر یا رویه‌ای که حضور وکیل را بپذیرد اما ابزارهای لازم برای عملکرد او را محدود سازد، می‌تواند حق دفاع را از مضمون واقعی خود تهی کند.

مرحله تحقیقات مقدماتی در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از تصمیم‌هایی که بعداً سرنوشت پرونده را تحت تأثیر قرار می‌دهند در این مرحله اتخاذ می‌شوند و اظهارات اولیه متهم، ارزیابی‌های کارشناسی و سایر ادله مهم غالباً در همین مقطع شکل می‌گیرند. بنابراین، دسترسی زودهنگام به وکیل باید یکی از محورهای اصلی سیاست کیفری باشد. تأخیر غیرضروری در این دسترسی ممکن است آثاری ایجاد کند که حضور بعدی وکیل قادر به جبران کامل آنها نباشد. سیاست مطلوب آن است که اصل بر حضور و مشاوره حقوقی در نخستین مراحل مواجهه جدی شخص با دستگاه کیفری باشد و هرگونه محدودیت تنها در شرایط

استثنایی، برای مدت محدود و بر اساس معیارهای قانونی روشن اعمال شود.

وکالت تسخیری نیز باید از نگاه صوری خارج شود. وجود نام وکیل در پرونده یا حضور او در جلسه به خودی خود به معنای اجرای حق دفاع نیست. کیفیت وکالت تسخیری به زمان انتصاب، امکان دسترسی به پرونده، میزان ارتباط با متهم، تخصص و تجربه وکیل، امکانات حرفه‌ای، میزان حق‌الوکاله و استقلال او از مرجع تعیین‌کننده وابسته است. نظام مطلوب وکالت تسخیری باید تضمین کند که ناتوانی مالی متهم به کاهش محسوس کیفیت دفاع او منتهی نشود. تفاوت‌های طبیعی میان وکلای مختلف اجتناب‌ناپذیر است، اما دولت موظف است حداقلی واقعی از خدمات حقوقی مؤثر را برای همه متهمان مشمول فراهم کند.

از نظر نهادی، مشارکت سازمان حرفه‌ای مستقل در سامان‌دهی وکالت تسخیری می‌تواند به تقویت اعتماد و استقلال کمک کند. تعیین وکیل از طریق سازوکاری شفاف، توزیع عادلانه پرونده‌ها، توجه به تخصص، تعیین حق‌الوکاله متناسب و نظارت بر کیفیت بدون مداخله در استراتژی دفاعی از جمله اقداماتی است که می‌تواند این نهاد را کارآمدتر سازد. همچنین ضروری است میان نظارت حرفه‌ای و کنترل محتوای دفاع تمایز روشنی برقرار شود. نظارت باید ناظر به رعایت استانداردهای حرفه‌ای، حضور مؤثر و مسئولیت‌پذیری باشد، نه آنکه وکیل را به اتخاذ مواضعی معین در پرونده ملزم کند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سه مؤلفه محرمانگی، تساوی سلاح‌ها و وکالت تسخیری در واقع سه سطح متفاوت از یک مسئله واحد هستند. محرمانگی به کیفیت رابطه درونی میان وکیل و موکل مربوط است؛ تساوی سلاح‌ها جایگاه دفاع را در برابر ساختار تعقیب تعیین می‌کند؛ و وکالت تسخیری مسئله دسترسی همگانی به این سازوکار دفاعی را حل می‌کند. استقلال حرفه‌ای عنصر مشترکی است که هر سه را به یکدیگر پیوند

می‌دهد. محرمانگی بدون استقلال شکننده است، تساوی سلاح‌ها بدون وکیل مستقل ناقص باقی می‌ماند و وکالت تسخیری بدون تضمین استقلال ممکن است به انتصاب تشریفاتی تبدیل شود.

در نظام حقوق کیفری ایران، ظرفیت‌های قانونی مهمی برای شناسایی حق برخورداری از وکیل و گسترش حقوق دفاعی وجود دارد، اما برای تحقق کامل دادرسی منصفانه باید فاصله میان قواعد قانونی و اجرای عملی کاهش یابد. برخی چالش‌ها نه از فقدان کامل مقرر، بلکه از نحوه اجرا، تفسیر محدودکننده، کمبود امکانات و نبود ضمانت اجرای مؤثر ناشی می‌شوند. بنابراین، اصلاح مطلوب باید چندسطحی باشد. در سطح تقنینی، لازم است محرمانگی ارتباط وکیل و موکل با صراحت و جزئیات بیشتری حمایت شود، محدودیت‌های دسترسی وکیل به پرونده بر اساس معیارهای ضرورت و تناسب تنظیم گردد و حقوق وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی روشن‌تر شود. در سطح نهادی، استقلال حرفه وکالت باید در تنظیم مقررات، پذیرش، انتظام و انجام وظایف دفاعی مورد حمایت قرار گیرد. در سطح اجرایی نیز باید امکانات لازم برای ملاقات خصوصی، دسترسی مناسب به پرونده و آماده‌سازی دفاع فراهم شود.

در خصوص وکالت تسخیری، ایجاد نظامی منسجم برای ارزیابی صلاحیت، تخصص و عملکرد وکلای فعال در پرونده‌های تسخیری ضروری به نظر می‌رسد. این ارزیابی نباید استقلال محتوایی آنان را محدود کند، بلکه باید بر شاخص‌هایی مانند میزان حضور، مطالعه پرونده، ارتباط با موکل و رعایت استانداردهای حرفه‌ای تمرکز داشته باشد. همچنین، تعیین حق‌الوکاله باید با واقعیت حجم کار و پیچیدگی پرونده هماهنگی بیشتری داشته باشد. عدم تناسب جدی میان مسئولیت حرفه‌ای و جبران مالی می‌تواند کیفیت ارائه خدمات را کاهش دهد و در نهایت به زیان متهم و عدالت کیفری تمام شود.

تقویت آموزش تخصصی در حوزه دفاع کیفری نیز اهمیت فراوان دارد. وکیل کیفری باید علاوه بر شناخت قوانین ماهوی و شکلی، با شیوه ارزیابی ادله، اصول حقوق بشر، مهارت‌های بازجویی متقابل، تحلیل گزارش‌های کارشناسی و فنون دفاع در پرونده‌های پیچیده آشنا باشد. آموزش مستمر می‌تواند سطح کیفی دفاع، به‌ویژه در نظام وکالت تسخیری، را ارتقا دهد. در کنار آن، افزایش آگاهی ضابطان و مقامات قضایی نسبت به نقش مستقل وکیل نیز ضروری است. وکیل نباید به‌عنوان مانعی در مسیر کشف جرم تلقی شود؛ حضور او بخشی از سازوکاری است که باید کشف حقیقت را با رعایت حقوق فردی سازگار کند.

از حیث سیاست تقنینی، مقررات مرتبط با محرمانگی باید تمامی اشکال جدید ارتباطی را پوشش دهد. توسعه فناوری باعث شده است بخش قابل توجهی از ارتباطات حرفه‌ای از طریق ابزارهای دیجیتال انجام شود و حمایت سنتی از گفت‌وگوی حضوری به تنهایی کافی نیست. مکاتبات الکترونیکی، فایل‌های دیجیتال، یادداشت‌های ذخیره‌شده و ارتباطات برخط وکیل و موکل باید از حمایت حقوقی مناسب برخوردار باشند. همچنین، در موارد تفتیش یا توقیف وسایل متعلق به وکیل، باید سازوکارهای ویژه‌ای برای جداسازی اطلاعات مرتبط با تحقیق از اسرار سایر موکلان پیش‌بینی شود.

در زمینه تساوی سلاح‌ها، سیاست مطلوب باید بر مفهوم «فرصت واقعی دفاع» متمرکز شود. دسترسی به پرونده باید در زمانی صورت گیرد که وکیل امکان استفاده عملی از اطلاعات را داشته باشد. اعطای دسترسی درست پیش از جلسه رسیدگی یا ارائه حجم بزرگی از اسناد بدون زمان کافی، از نظر شکلی ممکن است حق دسترسی را رعایت کند اما در عمل آن را بی‌اثر سازد. همچنین، هرگونه محدودیت ضروری در مرحله تحقیقات باید موقت، مستدل و قابل اعتراض باشد. اصل باید بر دسترسی و استثنا بر محدودیت قرار گیرد.

بر همین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران مستلزم عبور از نگاه شکلی به حق وکالت و حرکت به سوی مفهوم «دفاع مؤثر و مستقل» است. این تحول نیازمند تقویت هم‌زمان استقلال نهادی حرفه وکالت، محرمانگی ارتباطات حرفه‌ای، دسترسی زودهنگام وکیل، تساوی واقعی امکانات دفاعی و اصلاح ساختار وکالت تسخیری است. تنها در چنین صورتی حق برخورداری از وکیل از یک تضمین صوری فراتر خواهد رفت و به نهادی واقعی برای کنترل قدرت عمومی، پیشگیری از خطای قضایی و تأمین عدالت کیفری تبدیل خواهد شد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The professional independence of defense counsel constitutes one of the essential institutional and procedural guarantees of a fair criminal trial because the accused can effectively exercise the right of defense only when legal representation is provided by a lawyer who is sufficiently autonomous from investigative, prosecutorial, judicial, administrative, and political pressures. In criminal proceedings, the individual is confronted with the coercive and institutional capacities of the state, including police powers, prosecutorial resources, access to investigative instruments, expert evidence, and the authority to impose restrictions on liberty. Under such conditions, the formal recognition of the right to counsel is insufficient unless the lawyer can perform professional duties freely, obtain relevant information, communicate confidentially with the client, challenge unlawful investigative practices, and formulate a defense strategy without fear of professional or institutional retaliation.

در نهایت، تحقق دادرسی منصفانه نیازمند تغییر نگاه به جایگاه وکیل در نظام عدالت کیفری است. وکیل نه رقیب دادگاه است و نه مانع اجرای عدالت؛ او یکی از ارکان فرایندی است که مشروعیت تصمیم قضایی را تضمین می‌کند. هر اندازه دفاع مستقل‌تر، آگاهانه‌تر و مؤثرتر باشد، دادگاه با تصویر کامل‌تری از پرونده روبه‌رو خواهد شد و احتمال خطا کاهش خواهد یافت. استقلال وکیل در نهایت به سود متهم به تنهایی نیست، بلکه به سود اعتبار دستگاه قضایی و اعتماد عمومی به عدالت است. نظامی که به وکیل اجازه می‌دهد بدون ترس، با دسترسی کافی، در ارتباط محرمانه با موکل و با امکانات مناسب از حقوق وی دفاع کند، نه تنها حقوق فردی را بهتر تأمین می‌کند، بلکه تصمیم قضایی را نیز از حیث اخلاقی و حقوقی مشروع‌تر می‌سازد.

Iranian legal scholarship has increasingly conceptualized professional independence as an integral component of effective representation rather than a corporatist privilege belonging exclusively to the legal profession (Abbasi, 2024). The right to legal representation acquires substantive meaning only when counsel can intervene effectively at the stages in which evidence is collected, statements are taken, and procedural decisions affecting the accused are made (Hashemi, 2024). Fair trial guarantees similarly extend beyond the formal observance of procedural rules and require that the accused be placed in a position from which meaningful participation in the proceedings is genuinely possible (Hariri, 2024). Within this framework, the present study examines the professional independence of defense lawyers in Iranian criminal law through a jurisprudential and comparative analysis focused on three interrelated components: lawyer–client confidentiality, equality of arms, and court-appointed legal representation. The

central objective is to demonstrate that these three components are not separate technical matters but interconnected manifestations of a broader requirement of effective and independent criminal defense. The study adopts a descriptive-analytical methodology and draws on jurisprudential principles, Iranian criminal procedure, professional norms governing legal representation, and comparative fair-trial standards in order to evaluate the strengths and deficiencies of the existing Iranian framework and to identify reforms capable of transforming the right to counsel from a merely formal entitlement into an effective procedural guarantee.

The jurisprudential and legal foundations of professional independence reveal that independence must be understood as a multidimensional concept incorporating institutional, functional, personal, and communicative elements. Institutional independence concerns the structural autonomy of the legal profession and professional organizations responsible for admission, discipline, and professional supervision, while functional independence refers to the lawyer's freedom to select lawful defense strategies, challenge evidence, and criticize procedural irregularities without improper interference. Personal independence protects counsel against retaliation, intimidation, or adverse professional consequences arising solely from legitimate representation of a client, whereas communicative independence requires secure and confidential contact with the accused. Iranian scholarship on the independence of the legal profession emphasizes that professional autonomy is closely connected to public confidence in the administration of justice and to the credibility of defense as an institution distinct from the prosecutorial apparatus (Jalali, 2013). Judicial independence and the independence of legal counsel, although institutionally different, are

therefore complementary rather than competing principles because both seek to insulate legal decision-making from pressures unrelated to law and evidence (Karimi, 2022). From a jurisprudential perspective, the modern institution of criminal defense can also be linked to traditional principles governing agency, trust, fidelity to legitimate interests, observance of entrusted authority, and the prohibition against betrayal of confidence. The lawyer, as a professional representative, is bound to protect the lawful interests of the client and to respect the limits of authority, while the legal system must ensure that third parties cannot improperly compel the lawyer to abandon those interests. The fiduciary and confidential dimensions of the lawyer-client relationship are particularly significant in this regard because professional representation rests upon trust and the expectation that information communicated for purposes of legal advice will be protected (Ahmadi, 2015). At the same time, professional independence is not equivalent to immunity from law or professional accountability; it operates within the boundaries of lawful defense, ethical obligations, and procedural order. The proper balance therefore lies in protecting counsel against external interference while preserving legitimate professional discipline, transparency, and responsibility. The significance of this balance becomes especially evident during preliminary investigations, where the accused is often most vulnerable and where many decisive elements of the criminal case are initially formed. The right to counsel at this stage has been identified as a central safeguard against procedural imbalance and the erosion of defense rights (Babaei & Afrasiabi, 2012), while reforms in Iranian criminal procedure have increasingly sought to strengthen the procedural freedoms of accused persons during investigation (Saghian, 2013).

Confidentiality between lawyer and client is the first practical sphere in which professional independence becomes operational and measurable. Effective criminal defense requires the accused to communicate fully and honestly with counsel, disclose potentially damaging facts, discuss weaknesses in the case, and seek advice regarding statements, evidence, procedural options, and defense strategies. Such communication cannot occur meaningfully if the accused reasonably fears that conversations may be monitored, correspondence intercepted, documents seized, or confidential information transmitted to investigative authorities. Professional secrecy is therefore not merely an ethical duty imposed on lawyers but also a procedural right of the client and a corresponding obligation on public authorities to refrain from unjustified interference. The principles governing the lawyer–client relationship in Iranian law treat confidentiality as a logical consequence of trust, loyalty, and the fiduciary character of legal representation (Ahmadi, 2015). Human-rights-based analyses of defense counsel likewise emphasize that access to a lawyer must include the practical possibility of private and secure consultation if the right is to have genuine value (Heydari, 2010). This requirement is particularly important during detention and preliminary investigation, when the accused may be isolated, unfamiliar with procedural law, and dependent upon counsel for information concerning the right to silence, the legal consequences of statements, and available procedural objections. International standards regarding access to legal counsel at the investigative stage similarly support the principle that legal advice must be timely, effective, and capable of being given under conditions that preserve professional confidentiality (Ziaifard, 2007). Confidentiality also extends beyond oral meetings and should encompass written

correspondence, electronic communications, digital files, defense notes, preliminary legal analyses, and other materials generated in the course of professional representation. Modern criminal defense increasingly depends upon digital communication, making legal protection for electronic exchanges indispensable. Moreover, searches of lawyers' offices or digital devices raise additional concerns because such environments may contain confidential information concerning numerous unrelated clients. Any investigative access must therefore be narrowly tailored, legally authorized, and accompanied by safeguards capable of separating legitimately relevant material from privileged professional information. The study argues that confidentiality in Iranian criminal procedure should be recognized more explicitly as a structural component of the right to defense, supported by clear statutory safeguards and effective remedies against unlawful intrusion. The principle of equality of arms represents the second major dimension of the relationship between professional independence and fair trial. Equality of arms does not require identical institutional capacities for the prosecution and the accused, because the state necessarily possesses powers and resources unavailable to private individuals; rather, it requires that the imbalance between them not become so severe that the accused loses a reasonable opportunity to challenge allegations and present a meaningful defense. Effective access to counsel is one of the principal mechanisms through which this imbalance can be moderated. A defense lawyer must be able to obtain sufficient knowledge of the case, examine relevant evidence, communicate with the accused, request or challenge expert opinions, contest unlawfully obtained evidence, and present legal arguments before the competent authority. Iranian studies concerning preliminary investigations have

emphasized that the practical role of counsel depends not merely upon physical presence but upon the extent to which the lawyer is permitted to participate meaningfully in the proceedings (Maleki et al., 2019). The right to counsel becomes largely symbolic if the lawyer is denied access to the core evidentiary basis of the accusation or receives the case file only when insufficient time remains for proper preparation (Mohseni, 2021). Effective defense also requires adequate time and facilities, particularly in complex cases involving extensive documentation, technical evidence, multiple defendants, or severe penalties. The broader literature on defense rights accordingly stresses that procedural fairness must be assessed in terms of actual capacity to respond to the prosecution rather than merely formal availability of procedural mechanisms (Salehi, 2023). Professional independence is equally important in challenging investigative or prosecutorial practices because counsel must be able to criticize searches, interrogations, detentions, evidentiary irregularities, and breaches of defense rights without fearing adverse professional consequences. The independence of the bar and the independence of individual lawyers therefore form an institutional basis for preserving the adversarial balance required by fair proceedings (Ranjbar, 2017). From this perspective, access to the case file, adequate preparation time, the right to make submissions, the ability to challenge prosecution evidence, and protection against interference with defense strategy should be treated as interconnected aspects of equality of arms rather than isolated procedural privileges.

Court-appointed legal representation constitutes the third central component of this study because the right to counsel cannot be regarded as universal if meaningful legal defense is available only to those who can afford privately retained lawyers. The

institution of court-appointed counsel seeks to prevent economic inequality from becoming procedural inequality and therefore serves both the right to defense and the broader principle of equality of arms. Iranian scholarship has recognized court-appointed representation as a central component of legal aid and criminal defense, particularly in serious cases where the absence of counsel may render proceedings fundamentally unfair (Mohseni, 2013). Nevertheless, the mere appointment of a lawyer does not itself guarantee effective representation. The quality of court-appointed defense depends upon the timing of appointment, access to the file, opportunity to consult with the accused, professional competence, workload, remuneration, institutional support, and freedom from dependence on the appointing authority. Practical and structural challenges in the Iranian system of court-appointed representation have accordingly raised concerns regarding the difference between nominal representation and substantive defense (Zarei, 2019). A lawyer appointed by a court or other authority must remain professionally loyal to the lawful interests of the accused and must not become functionally dependent upon the institution responsible for appointment. The same principles of confidentiality, independence, professional diligence, and freedom of defense that govern privately retained counsel should therefore apply to court-appointed lawyers (Abbasi, 2024). The institutional design of legal aid should further ensure adequate remuneration and manageable workloads because chronically underfunded systems may create significant quality disparities between defendants with private counsel and those relying upon state-funded representation. Specialized training is also essential because criminal defense requires competence in evidentiary analysis, procedural objections, forensic reports, examination of witnesses,

and the strategic use of procedural rights. Iranian legal literature on criminal representation has long emphasized the significance of qualified legal counsel throughout different stages of criminal proceedings (Akbarian, 2014). Human-rights-oriented analyses similarly regard access to independent counsel as a central safeguard against arbitrary treatment and procedural abuse (Rostami, 2021). For these reasons, reform of court-appointed representation should focus not solely on increasing the number of appointments but also on ensuring professional competence, timely access, confidential communication, adequate preparation, and institutional arrangements that preserve the lawyer's autonomy from judicial and prosecutorial authorities.

In conclusion, the study demonstrates that professional independence of defense counsel should be treated as an indispensable structural condition of fair criminal proceedings rather than as a professional privilege detached from the rights of the accused. Confidentiality, equality of arms, and court-appointed representation are best understood as three interconnected dimensions of the same underlying requirement: the existence of an effective, autonomous, and practically capable defense. Confidentiality protects the internal relationship between lawyer and client and makes honest legal consultation possible; equality of arms defines the procedural position of the defense in relation to the prosecutorial apparatus; and court-appointed representation seeks to ensure that access to effective defense is not determined by financial capacity. Each of these dimensions depends upon professional independence, and weakness in one can undermine the effectiveness of the others. The Iranian criminal justice system has developed important legal mechanisms recognizing the right to counsel and expanding defense

guarantees, yet significant gaps remain between formal recognition and practical implementation. These gaps can be addressed through clearer statutory protection of lawyer–client confidentiality, broader and timely access to case materials, stronger guarantees for early legal assistance during preliminary investigations, narrowly defined and reviewable restrictions on defense rights, improved institutional arrangements for court-appointed counsel, adequate remuneration, specialized professional training, and greater protection of the institutional autonomy of the legal profession. The broader implication is that strengthening the position of defense counsel does not weaken the judiciary or obstruct the search for truth. On the contrary, a criminal process in which lawyers can act independently, communicate confidentially, challenge evidence effectively, and provide competent representation to financially disadvantaged defendants is more likely to produce accurate, legitimate, and publicly trustworthy judicial outcomes. Fairness in criminal justice therefore requires a shift from a formal conception of the right to counsel toward a substantive model of effective and independent legal defense.

References

- Abbasi, H. (2024). *Legal representation and professional independence in Iranian law*. SAMT.
- Ahmadi, M. (2015). *Principles governing the lawyer–client relationship*. SAMT.
- Akbarian, S. (2014). *Legal representation in Iranian criminal procedure*. Mizan.
- Babaei, M. A., & Afrasiabi, A. (2012). The accused's right to defense counsel during preliminary investigations. *Legal Teachings*(13).
- Eslami, F. (2023). *Defense rights and the legal profession*. Mizan.
- Hariri, M. (2024). Principles governing fair trial proceedings from the perspective of criminal procedure. *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 153-176.
- Hashemi, S. (2024). *Legal representation and criminal defense mechanisms*. Mizan.

- Hassani, A. (2015). *Legal representation and fair trial*. Mehr-e Edalat.
- Heydari, L. (2010). *The independence of defense counsel in fair trial proceedings under international human rights law and the Iranian legal system* [Master's thesis, Allameh Tabataba'i University].
- Jalali, A. (2013). *Independence of the legal profession: Foundations and challenges*. SAMT.
- Karimi, M. (2022). *Judicial independence and the independence of the legal profession*. Jangal.
- Maleki, A., Ghodsi, S. E., & Gholami, M. (2019). The role of counsel during preliminary investigations in light of developments in the Criminal Procedure Code enacted in 2013. *Criminal law and Criminology Studies*.
- Mohseni, G. (2013). *Court-appointed legal representation and legal aid in Iran*. Mehr-e Hoghough.
- Mohseni, M. (2021). *A legal examination of the right to counsel during preliminary investigations*. Nour-e Elm.
- Moradi, A. (2022). *Fair trial and legal safeguards for the accused*. Dar al-Kotob.
- Nasiri, V. (2016). *Defense rights and counsel in criminal law*. Astan.
- Ranjbar, M. (2017). *Defense rights and the independence of the bar association*. Mehr-e Edalat.
- Rostami, A. (2021). *Legal representation and human rights in Iran's criminal justice system*. Chatr-e Danesh.
- Safari, R. (2011). *Legal representation and human rights*. Contemporary Law Publications.
- Saghian, M. M. (2013). Strengthening the rights and freedoms of the accused during preliminary investigations under the Criminal Procedure Code enacted in 2013. *Criminal Law Research*, 2(6), 113-136.
- Salehi, R. (2023). *Criminal procedure and defense rights*. Mizan.
- Zarei, B. (2019). *Court-appointed legal representation: Issues and challenges*. Mizan.
- Ziaifard, M. H. (2007). International standards on the right to a lawyer or legal adviser during preliminary investigations, with emphasis on the case law of the European Court of Human Rights. *International Law Review*.